



عبدالاحمد فیض عضو هیئت تحریر

ا.ح.ا

مبای حقوقی اعزام احتمالی نیروی زمینی ریاض و انقره در قلمرو سوریه

درین مراحل نهایت حساس ، نبردهای خونین و اسفناک داخلی در جمهوری عربی سوریه که با مخالفان گوناگون داخلی ، منطقوی و جهانی بخاطر دفاع از حق حاکمیت و آزادی ملی اش در نبرد قرار داشته و ارتش شجاع ، ابدیده و یکپارچه آن کشور در دفاع قاطع از آزادی ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه متحد در میدانهای نبرد در برابر بیرحمترین و - سفاکترین گروه های تروریستی از قبیل داعش ، جبهه النصره و جیش الاسلام که در فهرست سیاه جنایتکاران بین المللی قرار دارند ، به پیروزیهای چشمگیری دست یافته اند ، هستند کشورهای معین که این پیروزیهای ملت سوریه را با منویات و اهداف خصمانه راهبردی که در کشور سوریه دارند در تعارض دانسته و بدون اهتمام با اصول و معیار های رایج در نظام بین الملل ، از آمادگی های خویش مبنی بر اعزام نیروی مسلح زمینی در قلمرو سوریه به بهانه مبارزه علیه داعش خبر داده است . اعلام گسیل نیرو بخاک سوریه که از سوی حلقات حاکم در ریاض و انقره اتخا ذ گردیده است درین اواخر با سروصداهای تبلیغاتی گسترده در محافل مطبوعاتی کشورهای فوق ، حوزه شرق میانه و در سطح جهانی همراه گردیده و با عکس العمل های متفاوت به سبب پیا مدهای وخیم ناشی از آن مواجه گردیده است.

اقای چلوش اغلو وزیر امور خارجه ترکیه ضمن صحبت مطبوعاتی ، درین مورد فاش نموده است که همین اکنون به تعداد یکصدوسی نظامی سعودی و بم افکن های نیروی هوای آن کشور در پایگاهی بنام (انجیرلیک) در خاک ترکیه مستقر گردیده است تا گویا در چهارچوب ائتلاف بین المللی ضد داعش مقدمات یک حمله گسترده نظامی را در قلمرو سوریه تدارک نما یند ، همچنان گزارشاتی از منابع رسانه ئی گواه بر آنست که حملات مستدام و گسترده توپخانه ئی ترکها در شمال سوریه یعنی در مناطق استراتژی یک تحت اداره رزمندگان دلیر کرد های سوری که علیه گروه داعش در نبرد قرار دارند، شدت بی سابقه کسب

نموده و تحرکات مبنی بر استقرار نیروهای مخفی به عزم یک تنها جم گسترده مسلحانه برضد رژیم بر سر اقتدار در دمشق در کشورهای مجاور طراحی گردیده است.

بدیهی است که ریاض و انقره از بدوی نضج گیری بحران داخلی سوریه در مارچ (۲۰۱۱) میلادی در گسترش جنگ داخلی در آن کشور با ارائه همکاری های همه جانبه تسلیحاتی ، سیاسی و اطلاعاتی به معارضان دولت سوریه دست داشته و نیات خویش را در سرنگونی نظام سیاسی حاکم دمشق هیچگاهی کتمان نه نموده است ، اما علی الرغم سیاست ضد سوری مبنی بر تداوم نبردهای ویرانگری نیا بتی در قلمرو آن کشور که بدنام ترین و بیرحمترین گروه های تروریست در آن دست دارد ، شکست پیهم این گروه های اجیر بوسیله نیروهای مسلح سوریه که از حمایت نیروی قدرتمند- هوایی روسیه بهره مند هستند، موجب گردیده است که مخالفان منطقوی رژیم سوریه سیاست تجاوز آشکارا مبنی بر اعزام نیروهای مسلح زمینی در زیر چتر حمایتی ائتلاف بین المللی ضد داعش در خاک سوریه را اتخاذ نمایند. سوالیکه درین مختصر در پی دریافت پاسخ به آن هستم این است که آیا اقدامات ریاض و انقره مبنی بر گسیل احتمالی نیروی زمینی در جغرافیای کشور مستقل سوریه با میکانیزمهای مشروع حق توسل بزور در حقوق بین المللی همخوانی دارد؟

برای دریافت پاسخ به پرسش فوق ، عملکرد احتمالی کشورهای فوق را در اعزام نیرو مسلح در خاک سوریه در مطابقت با میکانیزمها و روشهای رایج توسل بزور در حقوق بین المللی مورد بررسی قرار داده تا مشروعیت و یا عدم مشروعیت اقدامات ازین گونه را در چهارچوب اصول و هنجارهای جهانشمول برجسته سازیم:

الف- توسل به زور بر مبنای فیصله شورای امنیت.

اعطای مجوز حقوقی توسل بقوه ابرازنده ترین صلاحیتهای شورای امنیت سازمان ملل متحد است که در فصل هفتم ماده (۴۲) منشور تسجیل گردیده است . حق کاربرد نیرو مسلح که در حیطه صلاحیت انحصاری شورا است ، درست در چنان برهه حساس زمانی اتخاذ میگردد که دولت و یا چند کشور مستقل مورد تجاوز مسلحانه قرار گرفته و بالنتیجه امنیت جمعی در معرض چنان خطرات گسترده قرار گیرد ، که دفع و طرد خطرات ناشی از تجاوز بدون تجویز استعمال زور در برابر کشور متخلف مقدور نباشد. (صلاحیت شورا در جنب توسل بقوه اعزام نیروی پاسدار صلح رانیز حاوی است که چگونگی اتخاذ تصمیم درین دومورد بادر نظر تفاوت رخدادها از هم متمایز میگردد.) لذا بادر نظر داشت این اصل ، هیچگونه خطری که بر پایه کاربرد زور و تجاوز استوار باشد ریاض و انقره را از جانب دمشق تهدید نمی نماید. بنابراین کاربرد نیرو مسلح در فقدان قطعنامه شورای امنیت در خاک سوریه و جاهت حقوقی نداشته لذا اقدامات مبنی بر استعمال زور علیه جمهوری سوریه به هر عنوانی و بهانه که انجام گیرد، نقض آشکار حق حاکمیت یک دولت مستقل و تجاوز تعریف میگردد.

ب- توسل بقوه بر مبنای اصل دفاع مشروع.

استعمال زور بر اساس حق فاع مشروع بر وفق ماده (۵۱) منشور درست زمانی مشروعیت کسب مینماید ، که یک کشور مورد تهاجم مسلحانه بالفعل و بلقوه یک و یا چند کشور دیگر قرار گیرد. بنا بران

هرگاه اعزام نیروی زمینی در قلمرو سوریه را در قالب حق دفاع مورد ارزیابی قرار دهیم، فقدان عنصر تجاوز مسلحانه از جانب سوریه حق استفاده از ابزار زور در عملکرد مدعیان توسل بقوه را در قلمرو سوریه بوضوح منتفی نموده و یا اصولاً استعمال قوه در قالب دفاع مشروع درین نحوه برخورد از منظر حقوقی مطرح بحث نمیگردد.

ج- استعمال قوه بر بنیاد اصل دخالت بشردوستانه.

توسل به ابزار زور و یا اعزام رزمندگان مسلح در خاک غیر، بتأسی از اصل مداخله بشردوستانه در روابط خارجی در فرصتی مشروعیت میتواند داشته باشد، که حقوق و ارزشهای اساسی بشری و موازین حقوق انسانی در جغرافیای تحت حاکمیت یکدولت به شیوه اسفناک، فاجعه بار و یا با ابعاد گسترده ان یا بوسیله رژیم حاکم و یا طرفهای متحارب در یک منازعه داخلی نقض گردیده که دفع چنین وضعیتی حاکم بدون توسل بزور محتمل نباشد. بایست اذعان داشت که توسل بقوه بر بنیاد اصل مداخله بشردوستانه، در پراستیک روابط دول محبوبیت و طرفدارانی چندانی نیز ندارد زیرا استناد بدین اصل در موارد متعدد به بهانه نئی برای تجاوز مبدل گردیده است اما علی الرغم ان، دخالت مسلحانه بر بنیاد اصل دخالت بشردوستانه، درست زمانی عملی پنداشته میشود که تجویز حقوقی شورای امنیت ملل متحد را با خود داشته و به ابزار سرکوب و سرنگونی نظام حاکم مبدل نگردد، در غیر این حالت بروفق معیارهای پذیرفته جهانی مشروعیت خود را از دست میدهد. فلذا هرگاه عملکرد احتمالی ریاض و انقره از منظر دخالت بشردوستانه به بهانه مبارزه علیه داعش و سایر گروههای فعال تروریستی در عرصه نبرد داخلی سوریه مورد ارزیابی حقوقی قرار گیرد، درین حالت نیز تجویز شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر کاربرد نیروی مسلح در قلمرو تحت حاکمیت دولت سوریه بمثابه یگانه ساختار مشروع اهمیت ویژه کسب نموده و فقدان قطعنامه شورایادرین خصوص هرگونه تلاش را در راستای حق توسل بقوه قهریه (نیروهای مسلح) منتفی میسازد.

د- توسل به اعزام نیرو بخاک سوریه به استناد قطعنامه های شورای امنیت در مبارزه علیه داعش.

شورای امنیت سازمان ملل متحد از بدو ظهور گروه تکفیری داعش و گسترش فعالیتهای تروریستی این گروه در عراق و سوریه نخستین بار قطعنامه شماره (۲۱۶۹) مورخ (۳۰) جون (۲۰۱۴) را بر بنیاد احکام فصل ششم منشور، در پیوند با نحوه عملکرد و ماهیت اقدامات ضد داعش صادر نمود و درین قطعنامه از همه اعضا مطالبه شد تا مساعی شان را در مبارزه علیه گروه های دهشت افکن و بویژه رزمندگان خلافت اسلامی (داعش) در سطوح مختلف هماهنگ نمایند. درین تصمیم شورای امنیت که مبنای حقوقی ان احکام مندرج در فصل ششم منشور قرار گرفت، تدابیر و اقدامات عملی در قالب توسل به اقدام نظامی علیه داعش منتفی دانسته میشود. سپس شورای امنیت با تشدید حملات و جنایات وحشتناک تروریستی گروه های شرارت پیشه و بخصوص داعش در سوریه و عراق، بالترتیب به اصدار قطعنامه های شماره (۲۱۷۰) در زمینه اعمال تحریمهای مالی و تسلیحاتی گروه تکفیری، قطعنامه ۲۱۷۸ مورخ (۲۴) نومبر (۲۰۱۴) که حاوی اتخاذ تدابیر عملی ضد داعش، متکی بر احکام ماده (۴۱) فصل هفتم در برابر تروریستان دولت اسلامی شام-عراق بود، فیصله شماره (۲۱۹۹) مورخ (۱۲) فبروری

(۲۰۱۵) که ممنوعیت تجارت باداعش درخصوص فروش منابع نفتی واثارتاریخی سوریه را ممنوع اعلام داشت وقطعنامه (۲۲۴۹) مورخ ۲۲نومبر (۲۰۱۵) که بتأسی ازصراحت حکم ماده (۴۱) فصل هفتم منشورسا زمان ملل تصدیقشد ودران ازگروه تکفیری داعش بعنوان یک تهدیدی بی سابقه ضد صلح وامنیت جهانی یاد دهانی گردیده وهکذا ازکلیه دولت های عضو- تقاضا بعمل امد تا درنبرد علیه این گروه با درنظرداشت امکانات داخلی شرکت نمایند. فلهذا بوضوح می توان اذعان کرد که تاکنون هیچ کدام ازقطعنامه های صادره شورای امنیت سازمان ملل متحد حق توسل بزوررا در قالب اعزام نیروی زمینی بخاک سوریه حتی درمبارزه علیه گروه های تروریستی منجمله داعش تجویز نه نموده است. بنابراین اقدام نظامی باکاربرد نیروهای زمینی درقلمروجمهوری عربی سوریه ناقض حق حاکمیت ان کشور وبا اصل همزیستی مسالمت امیزوپرنسبب عدم مداخله وتجاوزدرتعارض اشکارقرارمیکیرد. بربنیاد اصول حقوق بین الملل این فقط تجویزحقوقی شورای امنیت ویاموافقت دمشق با پارتترهای خارجی ان کشوراست که به حق - توسل بقوه ویاحضورقشون خارجی دران کشور صحه گذاشته درغیران استفاده از ابزارزور در فقدان فیصله شورای امنیت ویا حق دفاع مشروع در ساحه تحت حاکمیت غیر، تجاوزبی چون چرا به حق حاکمیت دیگران توصیف می گردد. دروضعیت جاری ، موضعگیری ،ارایش نیروواقاد امانت سیاسی واطلاعاتی دردوکشور- سعودی وترکیه بیانگرانست که این دوکشور درتنبانی با سایر قدرتهای منطقوی و بین المللی شدیداً درصدد ان قراردادند تابا بسیج افکار عمومی درکشورهای متحد زمینه هارا برای اجرای مجدد سنا ریوی لیبی که قطعنامه شماره (۱۹۷۳) شورا،بالین محتوی که مداخله نظامی درخاک لیبی را منتفی وبا تجویزمنطقه ممنوعه پروازتحت عنوان حمایت از غیرنظامیان ، باعث دخالت گسترده غرب دران کشورشد، درسوریه فراهم ومیکوشند تا با کسب رضایت ائتلاف بین المللی ضد داعش برهبری ایالات متحد ، زمینه های سئواستفا ده ازقطعنامه های سازمان ملل متحد را که توسل بزوربا فرستادن قوتهای رزمی زمینی را بصورت قطع منافی میسازد، به عزم سرکوب دمشق مساعد نمایند.

این کشورها که سیاست های خصمانه ضد سوری خویشرا درتحت پوشش حق حاکمیت وامنیت ملی شان توجیه مینمایند بوضوح خواهند دانست که حق حاکمیت ، منافع وامنیت ملی ازامنیت یکسان درنظام بین الملل برخوردار بوده وبه استناد این بیان پروفیسورمیشل فوچراستاد ژئوپولتیک فرانسه که گفته است ((حق حاکمیت دولت سدی برای دولتهای جنایتکار نیست که درعقب ان سنگرگرفته برضد حاکمیت دیگران تجا وزنمایند.)) لذا دول فوق مکلف میگردند تا اصول بین المللی را درمناسبات جهانی باحفظ احترام به حق حاکمیت سوریه رعایت نموده وازتصامیم جنون امیزمبنی براعزام نیروی مسلح زمینی که به مفهوم اعلام جنگ است درقلمروسوریه پرهیز وازرویاروی ونبردبا ائتلاف سوریه که پیا مد های ناگواری درقبال دارد اجتناب خواهند نمود، درغیران هماگونه که طیف وسیع ازآگاهان اموربین الملل معتقد هستند عاملان وحامیان توسل بزوردربحران سوریه مسوولیت یک جنگ تمام عیاررا که نه تنها امنیت درخاورمیانه بلکه ثبات جهانی رابه مخاطره خواهند انداخت ، ضمن نابودی خودی ، بدوش خواهند کشید.